

# پرورش فرزندان



سپه صافش مصفا و قابل پذیرش هر نقش و نگاری است . که بیوسته دریچه دل خود را از اینجره های حواس باز کرده و برای جذب هر اخلاق خوب باید آمادگی دارد .

حساس ترین موضوع که باید مورد توجه قرار گیرد بر حذر ساختن اطفال از معاشرت و همنشینی با بدانان است . که اثر آن فوری است و خوی بد همنشین مانند امراض مسری به طفل منتقل میگردد .

طبع طفل مهبای آمیخته شدن به برتری است . طفل باید از اخلاق و معاشرت ارازل و سفلیان بر حذر شده و با آداب نیکو و عادات جمیله متحلی گردد . بموازات رشد اطفال و به نسبت پرورش ادراکشان باید بآنان چنین تفهیم نمود ، که هر

شروع تربیت ، از آغاز طفولیت ، بویژه از همان هنگام است طفل کلمات را یکایک میاموزد و شروع بازی میکند .

قال رسول الله (ص) . اکرما اولادکم واحسنوا آدابهم یغفر لکم .

طفل را گرامی بدارید . و وسائل ظهور شخصیت او را فراهم ساخته و هر چه زودتر روحیه اش را درک نمائید و احترام نایسته ای برایش قائل شوید . لوح خاطر طفل مانند شیشه عکاسی بوده و آئینه

محسن طالبی نیا



هان . مراقب باشید ، این زمین پاک بزمین  
شوره بدل نگردد .

درگل شوره لاله افشانی

بر نیاردمگر ، پشیمانی

درزمینی درخت بایدکشت

کاورد میزه‌ای چوباغ بهشت

نظامی

هرگاه دراین زمین تخم خیرافکنید ، او  
بسعادت دین ودنیا میرسد . پدرومادرنیزدر  
ثواب آن شریکند . واگر بذر شرافکننده شود ، رو  
بشقاوت میرود . والدین نیزدرعقاب می افتند .

بهمین سبب ، خداوند متعال درقرآن مجید  
(سوره کهف آیه ۸۱) درحکایت مدح پدرومادر  
دوبتیم کهحضرت خضر(ع) برای حفظ گنج آنها  
دیواری راکه روی گنج درشرف خرابی بودبرپاساخت  
میفرماید : پدر و مادرشان صالح بودند .

طفل طبعاً " بیرسش وکسب اطلاع متقابل است  
و همینکه قفل از زبان اطفال برداشته شد ، اغلب  
پیرشهایی دارندکه برای آنان ، امری عادی  
بوده ودرنظر اولیاءگاه عجیب وگاه غیر لازم و  
مزاحم جلوه‌گر است .

در حالیکه این میل واستعداد را خداوند  
متعال درنهاد آنان قرار داده است .

اینست که وقتی درقیافه پاک طفل مینگرید ،  
بروحیه اوپی میرید ، ومی بینیدکه درفهم و  
درک مطالب وقضایابسیارمصرفکنجکواواسست  
ناحدیکه برائر همین کنجاوی ودقت ، گاهی  
اعمال ورفتار بزرگان خودراموبموتقلید میکند .  
قبلاً " اشاره شد ، وبازقابل توجه میباشد ، که  
طفل چون ضعیف العقل است ، اغلب ازدرک  
مطالب و نتیجه افعال واعمال خودنیزعاجز  
بوده وهمواره محتاج بمساعدت ومددکاریولی  
ومربی است .

کسی میتواند برای خوددوست ومصاحب ونسیم  
وملازم انتخاب کند ؛ لیکن برای تشخیص اینکه  
ازهرجهت باوی قدرمشترک داشته باشد ، بعلمت  
ضعف قوه تمیزاو ، باید بااستعدادومشورت  
اولیای خودازبین همسالان کسانی را برای حشر  
وتشرو دوستی انتخاب نمایدکه خودوخانواده اش  
اززذایل اخلاقی بدور بوده ، وصاحب فضیلت  
وکمال باشند .

توهم فرزند خود را تربیتکن

که ماندنام نیکت رانشانی

زگرگان یوسف خود رانگهدار

وگرنه میدرندش ناگهانی

اگر در کودکی فرزند خود را

نیاموزی ادب نامهربانی

چه خواندی قصه نوح نبی را

شوازی لیس من اهلک بیانی

بگو باو ، که از هم صحبت بد

حذر کن ای پسر تامیتوانی

که خوی همنشین بد کسی را

نیرسد از کدامین خاندانی

زخوی آتشین همنشینان

بسوزد آبروی دودمانی

کنون از پسر بند نیکبختان

دراین باره نوشتم داستانی

که چون سیاره درس معرفت را

بخوانی از نهال وباغبانی

آری ، دل اطفال چون زمین پاک ، قابل ولایق

هر بذروه سته است .

بی قیدی در این موضوع مهم است، که او را در تمام مراحل زندگی، امور دنیوی و اخروی فعالیت، دانش و ارزش، در تاریکی باقی گذارده و راههایی را که در پیش دارد، همیشه بلرز و خاطری ناجمع می‌پیماید.

چکند، اگر متزلزل و آشفته‌خاطر نباشد؟

چه کند، اگر در نادانی و غفلت باقی نماند؟

در اثر بی‌قیدی، که درباره‌اش شنیده‌ام او نمیتواند بسیند، و بفهمد، و راه برود؟

بویژه هرگاه وضعی که احساس نموده و از آن رانده شده، برایش حائز اهمیت بوده و با حوادث محرومیت زای قبلی پیوستگی داشته باشد، ممکن است اثر مخرب عمیقی در شخصیت وی باقی بگذارد.

او اگر روزی در سرکلاس، مقدمات مربوط بدرسی را بعلت غفلت خود، و یا ناقص بودن شرایط و محیط خوب درک نکرده و سپس در خانه هم در آن درس و مشق باویاری نشده باشد، ناچار همیشه خود را نسبت بموضوع آن درس بیگانه‌تر و آشنا حس میکند. بعدها نیز درباره همان درس درک نشده بحث دیگری پیش آمده، و مثلاً وقتی موضوع مربوط بجهان حشرات و نباتات، و یا ابرها و ستاره‌ها باشد، با اشکالیکه قبلاً بوجود آمده بود، چون هنوز از بیگانگی و ناآشنائی بدر نیامده و در فهم مقدمات کسری داشته، همیشه حیران و مبهور مانده، در نتیجه از همان روزهای اول از بسیاری چیزها که سایر شاگردان درک کرده‌اند، بی‌خبر میماند.

آنگاه آموزگار او را بی‌استعداد و عقب مانده بحساب آورده، شاگردان همکلاس نیز با دیده استخفاف با او نگریند.

حاصل چنین صحنه‌ای نیست که طفل از کتاب و درس و وسائل آموزش و حتی از مدرسه و معلم متنفر

پس زبان کودکی باید گشاد

حال که از علاقه طفل به کسب اطلاع و تمایل وی بجواب هر نوع پرسشی که (محو و شلش را معلوم خواهد نمود) آگاه شدید، هیچگاه نباید، بدین نکات کم اعتنا بوده و در مقابل پرسشها و مشکلات آنان، بتصور عجیب بودن سؤال و یا غیر لازم بودن آن و یا بعد از کم حوصلگی و گرفتاریهای روز، ترشروی و یا خونسردی نشان دهید.

بلکه با فرض فشار تکالیف زندگی و یا مضیقهِ معیشت و سایر ناملایمات محیط نیز میبایست با صبر و عزم و ویژه‌ای این فشارها را تحمل شده و بیرش بجگانه آنان در خور ادراکشان پاسخ مفید و مناسب داده، آنها را در میدان زندگی بدون یاری و اورنگذارده، به جنب و تدرید و کوردلی دچارشان نسازید.

پس همیشه باید با بکار بردن حلم و حوصله، بنحو شایسته‌ای مشکلات جگر گوشگان خود را با محبت و نرمی حل نمائید.

پدران و مادرانیکه دارای احساسات عاقلانه باشند خوب میفهمند که طفل اگر دانستنی‌های مربوط بخود را نداند، زود یا دیر مرتکب خبط و خطا خواهد شد.

اگر تمرکز حواس و حافظه اطفال را تقویت نکرده و از این راه چراغ امید و شہامت را در دل آنان نیافروزید قطعاً "در زندگی برفاه و موفقیت نائل نشده و از سعادت زندگی بی‌آلایش محروم میمانند.

بیگانه ساختن طفل از مجهولات و منفرد ساختن وی از مشکلات و پاسخ ندادن بپرسشهاییکه دارد او را محروم و دل مرده میسازد.

میگردد .

پندم چه دهی؟ نخست خود را

محکم کمری زیند بر بند!

چون خود نکنی چنانکه گوئی

پند تو بود دروغ و تر فند!

ناصر خسرو

قول خلاف به طفل ندهید که در حدیث است

حسن العهد من الایمان ، سعی کنید ، همیشه

بوعده‌هائیکه بوی میدهید وفاتمائید . تا اونیز

در زندگی بخوش‌قولی و نظم و ترتیب عادت‌کند

اگر در اجابت‌خواسته‌ها و استطاعت نداشته‌ویا

خواسته‌ها/وزائد بوده ( و با صطلاح پا را از گلیم

خود درازتر نموده است ) با لحنی ملایم ، و

محافظه کارانه ، و غیر صریح چگونگی دشواری ویا

عدم امکان ( و یازائد بودن خواهش او را بطوریکه

بروحیات وی لطمه‌ای وارد نشود ، باونفهمیم نموده

و بدون اظهار فقر مالی دشواری مطلب را تا حد

مقتضی برایش روشن سازید ، و بقیه مطالب و

محظورات راتا فرارسیدن س مقتضی فرزند جزء

اسرار خود پنداشته و از افشای آنها خوددار

باشید .

یادآوری مطالب اخیر ، ما را براین‌وامیداردکه

هرگاه خواندن این سطور ، درباه بعضی از

خوانندگان عزیز وصف الحال تلقی شده‌واحساس

نگرانی و ملال نموده باشند ، بدلداری و تسلی

ببرداریم .

اگر چنین است ؟ آگاه‌باشید! با فرض اینکه

این مطالب را ظاهرا " شامل حال خودمیبندارید

در این تشخیص و پندار ، راه عجله در قضاوت

را پیموده و در امتیاز خوشبختی و یا نگرانی

خویش تنها بمقایسه‌خود با دیگران پرداخته‌اید .

و حال اینکه‌جا دارد ، برای تشخیص درجه

سعادت خود با تفکر در نعم‌الهی و احساس

برخورداری از سلامتی و داشتن‌زن و فرزند

زیبائیهای زندگی و وجود دوستانی که دارید

حسن‌شکر‌گزاری درخود ایجادکنید .

ای قناعت ، توانگرم‌گردان

که و رای توهیج نعمت نیست

سعدی

پدران بصیر و مادران آگاه که‌احیانا " از ثروت

و مکنّت کافی بهره مند نبوده و درعیین حال

عهده‌دار وظیفه سنگین تعلیم و تربیتند ، بایدبا

بیشه ساختن صبر و قناعت و شکرگزاری ام‌ور

بگذرانند و با بر ملا ساختن نقاط ضعف زندگی

خود در نزد اطفال روح‌آنانرا جریحه دارنکنند

و گرد ملال بر چهره‌آنان نپاشند .

در اجرای این منظور نیز نباید از مشکلات زندگی

صریحا " ناله‌وشکوه داشته و یا ازگردش روزگار

خود عدم رضایتی ابرازنمایند . تا همین رویه

که خود حاکی از مراتب صبر و شکرگزاری است

در آتیه‌نخستین سرمشق زندگی فرزندان باشدو

آنها نیز ( تا باغوش گرفتن‌شاهد مقصود ) با

چنین فقر معصومانه و آبرومندانه ،

فقریکه در حین ابتلای بآن آبروی انسان‌نریزد

فقریکه با قناعت و عزت نفس ، و رضامندی و

شکرگزاری توام باشد ،

فقریکه ، انسان در اثر بیم و هراس از آن مقام

والای خود را پائین نیاورد .

و بالاخره ، فقریکه فخر زنده دلان است " آشنا

گردند .

